

آزیر خطر انحطاط اخلاقی در جامعه پزشکی

[سلامت نیوز]



«آیا جامعه پزشکی از اتفاق شرم آور در خمینی شهر اعلام برانیت میکند؟»

رفتاری که با صدراى کوچک در شهرستانى کم جمعیت در استان اصفهان صورت پذیرفته را شوربختانه نمى توان یک استثنا دانست و آژیر خطر انحطاط اخلاقى به صدا درآمده است. زیرا پزشک و پزشکی باید در خدمت سامانه سلامت جامعه باشد نه این که مستقلا عده اى مال اندوزى کنند.

باز کردن بخیه‌های کودکى چهارساله در بیمارستانى در خمینى شهر استان اصفهان به خاطر پول نداشتن خانواده افکار عمومى را به شدت تحت تاثیر قرار داده و احساسات مردم را جریحه‌دار کرده است.

ماجرای این قرار است که پسر بچه‌ای به نام «صدرا زاهدپور» را در پی جراحت چانه به بیمارستان اشرفی اصفهانی واقع در خمینی‌شهر مى برند اما به دلیل ناتوانی مالی خانواده کودک در پرداخت هزینه بخیه، پزشک معالج یا پرستار همکار پس از بخیه زدن بر روی زخم صورت این کودک دستور بازکردن بخیه را می‌دهد و این کودک را در همان حالت رها می‌کند!

نکته درخور تامل این که بیمارستان دولتی بوده و هزینه درمان بیمار نیز گزاف نبوده و حتی اگر پدر خانواده خواسته باشد بخیه را باز کنند باز بیمار کودک بوده و پزشکان حق نداشته اند با کودک چنین رفتاری داشته باشند و اتهام کودک آزاری را نیز می توان بر آنها بار کرد.

این خبر در حالی بعد از گذشت یک هفته رسانه‌ای شده است که احساسات تمام مردم و رسانه‌ها در مورد این فاجعه انسانی جریحه‌دار شده و حتی وزیر بهداشت در مصاحبه‌ای در رسانه در این خصوص از وقوع این جریان ابراز تاسف کرده و از پی گیری یک تیم بازرسی در این مورد خبر داده است.

هر چند رییس سازمان نظام پزشکی منطقه اعلام کرده است پس از بازرسی و اثبات جرم و طبق ماده ۲۰ - تعلیق و ابطال - مجازات مربوطه اعمال خواهد شد و هر چند معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان از جانب جامعه پزشکی استان خمینی‌شهر و تخلف کادر پزشکی این بیمارستان عذرخواهی کرده و خبر داده این دانشگاه ، درمان صدرا را در دستور کار قرار داده و تحت جراحی پلاستیک قرار گرفته اما این زخم با این سخنان التیام نمی‌یابد. این اتفاق را اگر کنار ماجرایى دیگر بگذاریم که در

بیمارستانى در تهران پذیرایى ازکودک بسترى شده‌ای را متوقف کرده بودند این واقعیت تلخ پیش چشم قرار می‌گیرد که نمى‌توان گفت موضوع خمینی‌شهر تنها یک استثنا بوده بلکه احساس سقوط اخلاقى در جامعه پزشکی در فضای جامعه وجود دارد و علت استقبال مردم از برنامه طنز «در حاشیه» به کارگردانی مه‌ران مدیرى نیز همین بود که چنین موضوعی را دستمایه نقد خود قرار داده بود.

«اگر بخواهیم صریح و بی‌پیرایه سخن بگوییم مى توان گفت جامعه پزشکی امروز ایران «پول‌زده» شده و ابتلا به این آفت قابل انکار نیست چندان که در بخشی از جامعه پزشکی عطش پول و کسب درآمد بیش از شیفتگی خدمت به هم‌نوع دیده می‌شود و این از خطر انحطاط اخلاقى خبر می‌دهد و انکار پزشکی دیگر حرفه اى مقدس نیست و مردم انکار وظیفه دارند به خاطر گران شدن قیمت دلار و تحصیل و اقامت خانواده برخى از پزشکان در خارج از کشور تاوان بپردازند. البته بعید است پزشک خمینی شهرى دغدغه قیمت دلار داشته باشد اما وقتی این افت به جان مجموعه اى می افتد به همه آسیب مى رساند.

در نگاهی تاریخی مى‌توان گفت از ابتدای قرن بیستم در ایران، محصلانى برای تحصیل به اروپا اعزام شدند که اغلب به خانواده‌های سطح بالای جامعه چه به لحاظ سرمایه فرهنگی و چه سرمایه اقتصادى تعلق داشتند. پژوهشى که دکتر ناصر فکوهی -مردم شناس - انجام داده نشان می‌دهد نخستین پزشکان ایران از مشروطه تا دهه ۱۳۴۰ نیاز مادی چندانى به حرفه خود نداشتند و از این رو پزشکان در موارد زیادى به صورت رایگان و برای امور خیریه به مردم کمک می‌کردند و یا از افراد نیازمند دستمزدی دریافت نمى کردند یا وقتی به روستاها مى رفتند مردم با هر چه داشتند به آنها هدیه مى دادند یا به لحاظ شخصیتی مصداق واژه «حکیم» بودند و کار به صرف پول را دون شان خود مى دانستند.

پزشکان همچنین به لحاظ سواد فرهنگی و اجتماعى در رده بالایی قرار داشتند. تا دهه ۱۳۴۰ همچنین پزشکان به شدت به اصول حرفه‌ای خود پای‌بند بودند وبه سلامت و جان بیمار بسیار بها مى‌دادند و در بالاترین رده از رفتار احترام انگیز اجتماعى تعریف مى شدند. از این رو احترام فراوانی را به جانب خود جلب می‌کردند و تصویر پزشک و پرستار و کادر بیمارستانى در اذهان مردم بسیار مثبت بود.

از اواخر دهه ۴۰ و با ورود گسترده درآمدهای نفتی و رواج مصرف‌گرایی اما کسب درآمد و پول و نگاه تجارى بر رفتار شماری از پزشکان غالب شد که هر چند در اکثریت نیستند اما در دید جامعه قرار دارند.

باز بر اساس تحقیق دکتر فکوهی و نیز مشاهدات و تجربیات خودمان مى‌توان گفت این دسته از پزشکان به شکل مبالغه‌آمیزی روند ثروتمند شدن را شروع کردند و شیوه‌های زندگى خود را به طور کامل تغییر دادند، یعنى به جای آن که به نوعی زندگى سطح بالای متعارف راضى باشند به شکل مبالغه‌آمیز، خود نمایانه و شگفت انگیزی رو به ثروت اندوزى آوردند. رویکردی که در غرب تنها از گروه‌هایی مانند ستارگان سینما و چهره‌های ورزشی سر مى زند و نه از پزشکان. البته جفاست اگر گفته نشود در جنگ هشت ساله، گروه‌های بزرگى از پزشکان و کادر پزشکی روانه جبهه ها شدند و بسیاری از آنها حتى جان خود را از دست دادند یا به عوارض صدمات شیمیایی مبتلا شدند و

از این رو در دهه ۶۰ خورشیدی پزشکی ایران را به اوج آبرو و احترام رساندند و با این نگاه پزشکان پول‌زده امروز در حق آن پزشکان هم جفا می‌کنند و از بسیاری از امکانات شهرهای بزرگ محروم اند و بعضا در واقع هم چوب را مى‌خورند هم پیاز را.

پزشکان روستایی، پرستارانی که در بیمارستان ها و درمان گاه‌های دولتی و خانه‌های بهداشت مشغول به کارند ولی این فداکاری و وفاداری به اخلاق حرفه اى این واقعیت را نمى پوشاند که هم و غم اقلیتی جز کسب درآمد نیست و به بیمار به چشم کالا مى‌نگرند و هنگامى که دریابند از این بیمار آبی برای کیسه پول اندوزى آنان گرم نمى شود آن را کنار مى‌زنند.

همین حرص و آز است که اینان را به انجام عمل‌های جراحى فراتر از نیاز واقعی یا تجویز داروهای خارجى و دستور آزمایش و عکسبرداری و سى تی اسکن برای هر درمانی واداشته تا شبکه اى به وجود آید که بیشترین فشار را بر کم درآمدهای جامعه تحمیل مى کند.

همین ها هستند که بیمارستان را از جایی برای شفا و درمان به هتل - بیمارستان تبدیل کرده و هزینه‌ها را به حدی بالا برده اند که صندوق‌های بیمه و حتى تکمیلی‌ها را با کابوس ورشکستگی رو به رو ساخته اند.

رفتاری که با صدراى کوچک در شهرستانى کم جمعیت در استان اصفهان صورت پذیرفته را شوربختانه نمى توان یک استثنا دانست و آژیر خطر انحطاط اخلاقى به صدا درآمده است. زیرا پزشک و پزشکی باید در خدمت سامانه سلامت جامعه باشد نه این که مستقلا عده اى مال اندوزى کنند. مردم کار مى‌کنند و مالیات مى‌دهند و دولت با پول این مالیات پزشک تربیت مى‌کند و آنان به جامعه مديون اند.

این همه هزینه در آموزش به خاطر این نبوده که

بخشى از یک قشر به ثروت نجومى دست یابد.

«تربیت پزشک باید در خدمت سلامت اجتماع و حرکت به سوى جامعه اى سالم و با نشاط باشد.

از این رو پزشکی که بخیه صدرا را باز کرده صلاحیت ادامه اشتغال در این حرفه را ندارد. موضوع با عذرخواهی هم خاتمه نمی‌یابد. همان‌قدر که برای پزشکی که جان ما و عزیزان ما را نجات می‌دهد احترام و ارج قایل هستیم از پزشکی که بخیه‌های یک کودک را باز کرده باید متنفر باشیم.

هشدار دکتر فکوهی را اکنون باید جدی‌تر گرفت که «این وضعیت احتمالا با یک انفجار خاتمه خواهد یافت که این حرفه را که از جایگاه باستانی‌ترین و قابل احترام‌ترین حرفه‌ها به سقوط می‌کشاند. از اینکه روزی مردم بترسند به پزشک رجوع کنند و برخورد با پزشک برای شان یادآور یک خاطره تلخ ، یک رفتار بی‌ادبانه و نوعی خالی شدن جیب‌های‌شان باشد.»

«بگذارید صریح و روشن این پرسش را نیز مطرح کنیم که آیا جامعه پزشکی همان واکنشی را که به پخش سریال مه‌ران مدیرى نشان دادند و این گونه القا کردند که انکار برساحت قدسى قدیسانى خدشه وارد شده و بر دامن کبریایی شان نباید گردى بنشیند به این اتفاق شرم آور هم واکنش نشان مى دهند و از آن اعلام برانیت خواهند کرد؟



KAMINGAH کهننگاه



۲ مدعیان آزاده

۳ سخنرانء عرب، نماینده انجمن مستقل و نماینده دفتر تحکیم

۳ نامه امام به محتشمء پور

۴ حزب مو تلغه اسلامء

۴ به مارکسیست ها کرسء بدهید

۵ مردم سالارء

۵ قانون مدارء

۶ مجلس جوانان در کشورهاء مختلف جهان

۶ نامه زینلیان

۷ مصاحبه

۷ سالهاء دور از خانه

۸ آژیر خطر انحطاط اخلاقء در جامعه پزشکیء

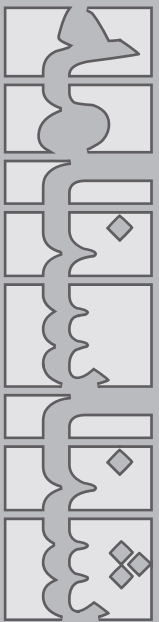
همکاری، پیشنهادات و انتقادات شما: Mohammadhadipناه@Chmail.ir

خود را به ایمیل زیر ارسال نمایند

اجتماعی و نظام سلامت می توانند مقالات

در زمینه موضوعات سیاسی اقتصادی علوم

کلیه علاقه مندان برای همکاری با نشریه



دو هفته نامه سیاسی ,اجتماعی و اقتصادی

صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مدیر مسئول: علی عرب

سردبیر: محمد رضا هادی پناه

هیئت تحریریه: محمد رضا هادی پناه -علی رحمانی فرد – امیر رضا امیری

فر - امیرعباس شهنسواری- امیر طه شرفیان -مسلمی سراجی- سجاد محمد

زاده - صادق نظیف - لعل وظیفه - محمد صادق ابراهیمی - مهدی موید

ویراستار و طراح گرافیک: محمد رضا پارسایی فر

MRParsaeefar@Gmail.com

شماره مجوز: ش/ک/۳۳۶-۲۹/۹/۱۳۸۸

تاریخ انتشار : اواخر آذر ۱۳۹۴

دوره نشر: ششم

اضطراری و حساس و به عبارتی در بزنگاه-ها که یک فرد یا تفکر بالاچار اصل خود را نمایان می-سازد. این شرایط به وفور در دوران مجلس ششم و دوران اصلاحات یافت می-شود.

در شرایطی که جریان دوم خرداد مخالفین خود را با انواع روش-ها از میدان به در می-کند. روش-هایی مانند **هو کردن و تحقیر مخالف** (چاپ کاریکاتور علامه مصباح در روزنامه آزاد توسط نیک-آهنگ کوثر با عنوان استاد تمساح یا کشیدن کاریکاتور سعید جلیلی تحت عنوان بازگشت سوپرمن در هفته-نامه صدا)، حذف(ممانعت از حضور شهردار تهران، احمدی-نژاد از جلسات هیئت دولت در دوران اصلاحات علی-رغم روال قبل) و سرکوب(جواب خاتمی در اعتراض دانشجویان در دانشگاه تهران با مضمون می-دهم بیروشان کنند).

برخلاف تصورات، مدعیان آزادی تنها تفکری در تاریخ انقلاب ایران هستند که رای به انحلال یک نهاد منتخب مردمی دادند. شورای اول شهر تهران که در سال ۱۲۷۷ انتخاب شده بودند و در دست خود جریان چپ و افرادی مانند سعید حجاریان قرار داشت به دلیل اختلافات داخلی توسط شورایی با اعضای از دولت و مجلس اصلاح-طلب منحل شد.

مستندات تاریخی گواهی میدهند که اصلاح-طلبان نه تنها قائل به آزادی نیستند که در دوران قدرت خویش کارهای عدیدة-ای را در مغایرت کامل با آزادی انجام داده-اند.

حال این سوال پیش می-آید که منشا وجود چنین شعاری در این جریان کجاست و چگونه این مفهوم در این جریان به عنوان یک اصل منشق شده از ایدئولوژی بلکه صرفا به عنوان وسیله-ای برای رسیدن به قدرت تثبیت شد.

چهره-های جریان چپ فعلی در سال-های قبل از ۶۸ با شعارهایی مانند پشتیبانی از ولایت فقیه و عدالت در میدان سیاست و اجتماع حاضر می-شدند. با تغییرات سال ۶۸ شعارهای جریان چپ، یا دیگر کارآمدی نداشت(صف-های کوپن در دولت سازندگی تحت عنوان **عدالت**) یا توسط جریان راست مصادره شده بود(**پشتیبانی از ولایت فقیه و استکبارستیزی**)، این موضوع اصلاح-طلبان را در موضع ضعف قرار می-داد. این جریان نیاز به راهی برای تثبیت خود به بدنه جدید قدرت یعنی جناح راست داشت تا بتواند حیات سیاسی خود را ادامه دهد.

از طرف دیگر در عرصه بین-المللی هم‌زمان با فروپاشی شوروی با شعار **عدالت** در برابر **آزادی** و لیبرالیسم غرب

[برگرفته شده از مصاحبه پرویز امینی جامعه شناس سیاسی و عضو سابق انجمن اسلامی مستقل]

اصلاحات مدعای و مدعیان

آزادی یکی از شعارهایی ایست که در شرایط فعلی کشور و حتی دنیا روزانه مطرح میشود. هر یک از جریان-ها فکری و سیاسی در سراسر دنیا سعی بر ارائه مفهومی از آزادی دارند و راه-های متنوع رسیدن به آن را مطرح می-کنند. مک کالوم آزادی را امری نسبی میدانند که با تفاوت در برداشت-ها معنایی متفاوت پیدا میکند. وی سه فاکتور هدف، مانع و عامل را برای تعریف آزادی ارائه می-دهد که مانعی توسط یک عامل برای رسیدن به یک هدف مشخص ایجاد می-شود و برهم-کنش این سه مولفه است که تعاریف آزادی را این چنین متنوع می-کند.

آزادی با تعریف مک کالوم را میتوان در سه حیطه بررسی کرد: آزادی فرد، آزادی یک جامعه و آزادی بین یک جامعه و جامعه-ای دیگر که مورد دوم تعریفی دیگر از استقلال یک جامعه در برابر دیگر جوامع است و در سطح سوم، اعضای یک جامعه علاوه بر اینکه آزادی را برای خود می-خواهند برای جوامع دیگر نیز خواستار هستند.

آزادی در طی سال-های اخیر یکی از اصلی-ترین مدعاهای جریان اصلاح طلب بوده است، بطوری-که جریان چپ خود را با این مفهوم گره خورده می-داند. حال سوال اینجاست که منشا این شعار از کجاست و منظور از آزادی در نظر اصلاح-طلبان چیست.

این مدعا در طی سالیان بعد از انقلاب مورد محک زمان قرار گرفته است. یکی از برترین راه-های اعتبارسنجی صدق گفتار اصلاح طلبی در ارتباط با آزادی را باید در شرایط مرزی(Boundary Situation) دید. در شرایطی

«» بعد از گذروندن روز های قرمز تقویم-باید سوار اتوبوس بشم و به سمت خودم حرکت کنم!

همیشه خوابگاه صبح بعد از تعطیلاتش دلگیر تر از عصر های جمعه شه!

کلی بار و بندیل را باید از این پله ها ببری بالا بعد هم سریع آماده بشی تا از سرویس ۷:۳۰ جا نمونی!

این حس معمولا در ترم های اول پر رنگ تر هست اما بعد که پخته تر میشی کمتر دلت می گیره و حتی به ترم های آخر که می رسی روز شماری می کنی که کی تعطیلات تموم میشه که بری خوابگاه!

قسمت پر هیجانش خوراکی های خوشمزه ایه که "دوستان جان" از خونه آوردن!!اصلا با دیدنشون حسی که صبح داشتی رو فراموش می کنی!

در حقیقت خوابگاه جایه که آدم خیلی با خودش روبرو میشه .به اشتباهاتش در بعضی رفتار هاش پی می بره و اصلاحش می کنه و از طرفی از رفتار های خوب بقیه دوستانش الگو برداری می کنه.

بعد از گذشت یکسال از زندگی خوابگاهی متوجه تغییر شخصیتتون خواهید شد!

تفاوت خوابگاهی ها با بقیه دانشجویها در همینه!که خوابگاهی ها علاوه بر علم و دانش -چگونه زندگی کردن را زودتر از بقیه یاد می گیرن تازه خیلی چیزهای دیگه هم یاد میگیرن که در ذیل بهش می پردازیم:

۱) بهترین اتفاقی که در طول زندگی دانشجویی میفته دوستی های پایداریه که شاید دیگه تا آخر عمر فرصت اینکه اینهمه دوست یک جا نصیبتون شه پیش نیاد!هر چند که نمی تونن جای خانواده را براتون پر کنن اما می تونن از بار دلتنگی و غربتتون کم کنن و روزهای شادی رو براتون رقم بزنن.

بهترین راه حل برای داشتن دوستای خوب اینه که خوب بودن را از خودتون شروع کنید.ینی سر اینکه کی بره ظرفا رو بشوره و کی بره جای بذاره بحثون نشه (صرفا برای ترمک ها!)

پس گذشت بهترین راه حل برای بهتر شدن رابطه هاست.(البته منظورم این نیست که همیشه شما ظرفارو بشورید ها!!)

۲) به گفته ی مشاوران -زندگی دانشجویی بستری جهت آمادگی برای تشکیل خانواده هست!خوشحال شدی نه؟!!!

منظور اینه که شما در محیط دور از خانواده -تونستید با افرادی که از لحاظ اعتقادی ,اخلاقی, رفتاری ,تربیت خانوادگی ,آداب و رسوم با شما متفاوت هستند کنار بیاید ومهارت چگونگی برخورد با رفتار هایی که تا قبل از این آزارتون می داد رو کسب کنید.در نتیجه اگر در زندگی آینده هم با این رفتار ها مواجه شدید هول برتون نمی داره چون بلدید چطور از پسش بر بیاید! از طرفی به ضعف های رفتاری خودتون در ارتباط با دیگران خیلی سریعتر پی می برید و توانایی هاتون را تقویت می کنید. در کل همیشه گفت به سطحی از شناخت نسبت به خودتون می رسید که در آینده به دردتون می خوره

۳) به لطف روز های جمعه آشپزی را هم یاد می گیرید از طرفی همکاری کردن و احترام به سلیقه دیگران را در طی اون فرا خواهید گرفت!

کالا باید یک مقاله با موضوع "جمعه در خوابگاه چه آموختیم"هم بنویسیم که می تونم آشنایی با انواع رایجه ی سوختگی غذا ها و ایمنی در برابر انفجار قابلمه حاوی تن ماهی و همچنین مشاهده اشکال ماکروسکپی انواع آسپرزپلوس های قابلمه ای را هم بهش اضافه کنیم.

حالا اگه رب و روغن و ادویه جاتون هم تموم شده باشه اعتماد به نفستون را سریع باید تقویت کنید!و رودرباستی را کالا بذارید کنار!

و اگه اتاق همسایه ازتون نون یا تخم مرغ و گوجه بخواد مهارت نه گفتن را کسب می کنید! و اصلا نیاز نیست که متذکر بشم کمک کردن به هم نوع کار پسندیده ای هست و اونم می تونید در خودتون تقویت کنید!دیگه انتخاب با خودتون ,اشما و قدرت تصمیم گیریتون!

۴) ورزش صبحگاهی ساعت ۷:۲۷ از طبقه سوم تا ایستگاه سرویس ها توفیق اجباری ست که نصیب دوستانی میشه که ساعت ۷:۱۵ از خواب بیدار میشن و۷:۲۵ کتری را می ذارن بجوشه!

ما شیفته ی مدیریت زمان این دسته از دوستایم!

۵) مدیریت اقتصادی , شاید تنویم در این شرایط پس انداز کنیم اما در طول زندگی دانشجوییمون بار ها استقلال را حس کردیم, مثلا شاید برای شما هم پیش اومده باشه که دلتون خواسته باشه خیلی چیزهایی که زیاد هم داشتنش ضرورتی نداشته رو بخرید اما شرایط اقتصادی و دانشجو بودنتون مانع از ولخرجی های زیادتون شده ! یعنی مهارت درست خرج کردن را هم کسب کردید.

۶) آشنایی با انواع لهجه ها گوشه ها غذا ها و آداب و رسوم نقاط مختلف کشور فرصت با هم بودن را غنیمت بشماریم وقت هایی که در خوابگاهیم بارها قدر خانواده را بیشتر می دونیم و وقت جدایی از دوستان حسرت خاطرات گذشته را می خوریم. اونقدر ها هم که می گن زندگی خوابگاهی بد نیست ,امگه نه؟!

مصاحبه با مجتبی محمدیان مسئول

هیئت تشنگان علقمه دانشگاه

در خصوص مشکلات پیش آمده برای هیئت در مراسم اربعین حسینی

- هیئت کی و چگونه تشکیل شده ؟

سال ۸۸ عده ای دانشجویان علاقه مند در دانشگاه خودمان برای سازماندهی مراسمات مذهبی اقدام به تاسیس هیات کردند.

- هیئت زیر نظر چه کسانی است و چه افرادی آن را مدیریت می کنند ؟

هیئت مثل تمام هیئت های کشور زیر نظر هیئت امنای خود فعالیت می کند و به هیچ ارگان و نهادی وابسته نیست . هیات امنا نیز تعدادی از دانشجویان همین دانشگاه هستند

- نقش نهاد رهبری در فعالیت های هیئت چیست ؟

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری رابط هیات با دانشگاه و ضابط قانونی فعالیت های هیئت در سطح دانشگاه است . تمام فعالیت های هیئت در سطح دانشگاه با مجوز نهاد و تحت نظارت آن انجام می پذیرد .

- در هفته گذشته خبر های ناراحت کننده ای از هیئت به گوش برخی دانشجویان رسید , لطفا در این باره کمی توضیح دهید ؟

در هفته گذشته هیات تشنگان علقمه بر طبق روال کاری همیشه اقدام به برگزاری مراسم عزاداری اربعین حسینی نمود ولی متأسفانه پس از هماهنگی های صورت گرفته با نهاد , از طرف معاونت دانشجویی فرهنگی برای تبلیغات مراسم مشکلاتی پیش آمد درواقع علیرغم انجام تمام هماهنگی های معمول , در همان روز نصب , کلیه تبلیغات از سطح دانشگاه جمع آوری شد

- به چه دلیل ؟ آیا سابقه ای هم در این باره وجود دارد ؟

بله سابقه هم داشته است اما به اشکال مختلف , این بار معاونت دانشجویی فرهنگی دایه دلسوز تر از مادر شد و به بهانه کوچک بودن آرم نهاد رهبری مشکل ایجاد کرد , در حالیکه آرم نهاد رهبری در اندازه متناسب و با تایید کامل نهاد به چاپ رسیده بود .

ببینید سطح بهانه های آقایان را

البته همانطور که گفتیم ایجاد مشکل برای فعالیت های هیئت در دوران معاونت جدید دانشجویی فرهنگی از همان ابتدا سابقه دارد اما تا کنون با چنین بهانه های عجیبی روبرو نبودیم

- علت مخالفت های معاونت دانشجویی فرهنگی با فعالیت‌های هیئت چیست ؟

برای خود ما هم سوال است . از ابتدا با بهانه های غیر معقول در صدد محدود کردن هیات بودند و نکته جالب ,تناقض عمل ایشان با سفارش هایشان مبنی بر گسترش فعالیت های دانشجویی است . به عنوان مثال به مسئول قبلی هیات فشار می آوردند که در تبلیغات آرم و عنوان مدیریت فرهنگی دانشگاه ثبت شود .

درواقع مسئولین امکانات دانشگاه و حتی مسجد مسلمین را جزیی از دارایی خود می داندند و استفاده از آن را مشروط به دلخواه خود می داندند . در نتیجه به نوعی فعالین سطح دانشگاه را مدیون خود تصور کرده که از دارایی های ایشان استفاده می کنند .

- به نکته خوبی اشاره کردید , لطفا بفرمایید هزینه های هیئت چگونه تامین می شود ؟

هزینه های هیات مانند تمام هیات های کشور با کمک های داوطلبانه و نذورات تامین می شود . تنها کمک دانشگاه به مجموعه هیات استفاده از برخی فضاهای فیزیکی است . که آن هم جدیدا محدود شده و با منت مسئولین همراه است .

- سخن آخر

امیدوارم مجلس امام حسین جای غرض ورزی نباشد و ما خیلی توقع کمک از آقایان نداریم , اینکهدر که سنگ اندازی هایشان نباشد کافی است . در دانشگاه باید محیطی باشد که دانشجویان برای مراسمات مذهبی و عزاداری ها به خارج از دانشگاه نروند و فضایی برای آنان وجود داشته باشد .

مجلس جو اتان

راهکاری به منظور استفاده کشور‌های جهان از ظرفیت نسل های جوان

نخستین مجلس جوانان شصت سال پیش در ایالات متحده آمریکا تاسیس می شود و پس از آن نیز کشورهای انگلیس , استرالیا و ژاپن به پیروی از این شیوه، مجلس های جوانان خود را شکل می دهند .

هدف از تشکیل مجلس جوانان در کشور‌های فوق، نشان دادن نقطه نظرات جوانان در مسائل مختلف جامعه، تمرین دموکراسی , افزایش توانایی های مدیریتی و مشاوره به سازمان های دولتی است . همچنین اعضای این مجلس به دلیل تجربه حضور در فضای سیاسی کشور و تصمیم سازی در سطح جامعه مورد توجه رهبران احزاب اصلی این کشور‌ها قرار می گیرند تا به عنوان مدیران آینده کشور در بیت شونه .

اعضای این مجلس در دنیا به ۴ روش متفاوت انتخاب می شوند :

۱- در یکی از این روش ها اعضای مجلس با رای مستقیم جوانان انتخاب و وارد پارلمان می شوند . به عنوان مثال در انگلستان هر سال پانصد هزار جوان برای انتخاب ششصد عضو این مجلس پای صندوق های رای می روند .

۲- در روش دوم نمایندگان مجلس اصلی کشور، از حوزه انتخابیه خود یک جوان را به عنوان مشاور انتخاب و این مشاورین مجلس مذکور را تشکیل می دهند. در واقع در این روش تشکیل مجلس نه از طریق انتخابات آزاد ، بلکه از طریق انتصاب نمایندگان صورت می گیرد. این روش در برخی کشور های منطقه اجرا می شود .

۳- در روش سوم سازمان ها و تشکل های مرتبط با امور جوانان هر یک دارای سهمیه ای مشخص در این مجلس هستند و نمایندگان مجلس از طریق معرفی این سازمان ها انتخاب می شوند . مجلس جوانان اروپا “EYP” به این صورت تشکیل می شود .

منابع :

UKyouthparliament.org.uk
Myd.govt.nz
Eyp.org
Wikipedia.com

مچلس جو اتان ايران

از اواخر دوره پنجم مجلس دانش آموزی بود که زمزمه تشکیل مجلس جوانان بر سر زبان ها افتاد و دکتر کاظم جلالی رییس مرکز

پژوهش های مجلس پیگیری ها و اقدامات لازم را به منظور فراهم کردن بستر های مورد نیاز جهت تاسیس این مجلس برعهده گرفت.
آبان ماه سال ۹۳ بود که نشست جوانان و قانون گذاری با حضور علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی در ساختمان مشروطه برگزار گردید، این نشست را می توان نخستین جلسه رسمی اعضای موسس مجلس جوانان خواند ، پس از آن نیز دیدارهای دیگری با صادق خرازی و هاشمی رفسنجانی توسط اعضای این مجلس صورت می گیرد.

مساله ای که در خصوص مجلس جوانان حایز اهمیت است احتمال الحاق آن به قوه مقننه و فعالیت آن در کنار مجلس شورای اسلامی است که بی شک میتواند نقش پررنگی را برای جوانان به منظور تصمیم سازی و حل مشکلاتشان ایفا نماید. اما آنچه سرنوشت این مجلس را با ابهام روبرو می کند این است که سازوکار قانونی و روند تشکیل مجلس جوانان چگونه خواهد بود؟ چرا الحاق چنین طرح مهمی به قوه مقننه در سکوت خبری و بدون اطلاع به دانشجویان در حال صورت پذیرفتن است؟

نکته نگران کننده در خصوص مجلس جوانان این است که چه کسانی اعضای موسس این مجلس را انتخاب کرده اند؟ و اگر این مجلس منتخب جوانان این کشور است چرا افرادی با جهت گیری های سیاسی خاص که جریان متبوع آن ها سابقه ی استفاده از جوانان را با هدف رسیدن به اهداف حزیبشان در کارنامه خود دارا می باشد , جلسات متعددی را با اعضای موسس مجلس جوانان برگزار می کنند ؟ آیا نزدیکی به ایام انتخابات مجلس یازدهم می تواند زمینه سوء استفاده جریانات سیاسی را از این مجلس فراهم آورد و اولویت های مهم جوانان را در این بازی های سیاسی کمرنگ کند؟

دانشجوی پیدار است...



نامه زینلیان

بسمه تعالی
محضر محترم روسای قوای مجریه، مقننه و قضاییه
سلام علیکم
در هفته گذشته خبری مبنی بر تشکیل مجلسی به نام مجلس جوانان جمهوری اسلامی ایران در بعضی از محافل و در سکوت خبری به گوش رسید ، خبری که برای بنده به عنوان یک جوان، مانند بقیه جوانان این کشور بارقه ای امید را در دلمان روشن کرد و اینکه از این به بعد جوانان هم می توانند در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها دخیل بوده و برای بهبود مشکلاتشان در بسیاری از مسائل مانند اشتغال ، ازدواج و مسکن و سربازی و تحصیلات خودشان باشند که به صورت قانونی طرح و پیشنهاد ارائه نمایند موجب خوشحالی مان گردید اما متاسفانه در اخبار تکمیلی که به گوشمان رسید مرا بر آن داشت که بعنوان دبیرکل بزرگترین اتحادیه دانشجویی این کشور مطالبی را خدمت شما بزرگواران مطرح نمایم که مرشد تشکیلاتی ما ، شهید مظلوم دکتر بهشتی فرمودند دانشجو موظف است در برابر دردهای جامعه حساس باشد و بماند.

و شاید دردی در این برهه از این بدتر نباشد که ما جوانان و دانشجویان که دل در گرو اسلام و نظام و رهبری داریم و مشکلات را دقیق رصد نموده و تا آنجا که توانسته فریاد مطالبه گری و عزت خواهی مان را فریاد زده ایم و به تاسی از پدران و مادرانمان که در دوران جوانی بهترین دوران زندگی شان را در انقلاب و جنگ گذراندند حداقل این انتظار را داشته باشیم که با توجه بیشتری به مسائل اجتماعی و فرهنگی و معیشتی مان توجه شود.

۱. امروز که تمام غرب با تمام توانش در مسیر دلسردی جوانان از مسئولین امر می باشد متاسفانه بعضی اقدامات سیاسی کاری و نستجیده در حوزه جوانان موجب می گردد که این مساله تقویت شده و ناامیدی در سطح جوانان جامعه از مرکز تا دور افتاده ترین نقاط کشور در مناطق محروم تسری یابد.

۲. تا آنجا که بنده در کتب دانشگاهی خوانده ام سیستم نمایندگی و مجلس و جایگاه آن برای احقاق حقوق تمام ملت می باشد وقانون گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت قرار بوده است که در جمهوری اسلامی ایران، جریان یابد. مگر ملت ما در دوران مشروطه قیام نکرد تا سلطنت عده ای محدود گردد و در سال ۵۷ قیام نمود که با تحقق شعارهای اسلامی، حکومتی را ایجاد نموده که تبلور رای مردمش در تمامی مسئولیت ها و مناصب باشد.

پس چگونه ممکن است امروز ما جوانان این کشور شاهد تشکیل مجلس جوانانی در تاریخ هفتم لغایت نهم آذر ماه ۱۳۹۴ در تهران با همکاری دولت و مجلس شورای اسلامی باشیم، به گونه ای که انتخاب موسسان این مجلس به صورت انتصابی و مخالف روح نمایندگی می باشد، چگونه ممکن است عده ای به نام نمایندگان جوانان بیابند و به صورت انتصابی مجلسی را تشکیل دهند و قانون پیشنهاده و تصویب کنند در صورتی که هیچ پشتوانه دانشجویی و جوانان را در این کشور ندارند.

۳. سوال من اینجاست که نماینده جوانان ترک و کرد و لر و فارس و بلوچ و ترکمن در این مجلسی که قرار است به نام ایران در ابعاد ملی و بین المللی تأثیر گذارد چه کسانی هستند ، مگر می شود جوانان ۳۱ استان کشور را رایشان را نادیده گرفت و تنها با سیستم آشنایی عده ای با عده ای از جوانان حق قانونی ایشان را لگدمال نمود.

۴. در کشور ما که حقوق اقلیت های دینی در قانون اساسی آن به صراحت تأکید شده است مگر می شود نماینده ای از جوانان آشوری و کلیمی و کلدانی و زرتشتی و ارمنی در مجلس جوانانش حضور نداشته باشند.

۵. چگونه ممکن است در کشوری که نمایندگانش باید سوگند یاد کنند که پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستاورهایش، انقلاب اسلامی ملت ایران و مبنای جمهوری اسلامی ایران باشند افرادی در مجلس جوانان آن حضور داشته باشند که به ارتباط خود با مخالفین نظام اسلامی و ولایت فقیه افتخار می کنند و ساختار شکنانه با نظام آن برخورد می کنند و دل در گرو دشمنان این مرز و بوم دارند

و شاید تمامی این موارد، بنده را بر آن داشت که از محضر روسا سه قوه تقاضا نمایم که جلو تشکیل مجلس انتصابی جوانان را گرفته و نگذارند مشکلی دیگر به مشکلات جوانان اضافه شود و حقوق جوانان این کشور در گرو سیاسی بازی و قدرت طلبی عده ای به حاشیه رود و سیستم نمایندگی اینچینی مجلس جوانان موجب دلسردی جوانان پاک و صمصمی این مرز و بوم شود که مشکلات جوانان زیاد است و دلسوز جوانان اندک.

حسین زینلیان بروجنی

دبیرکل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

۶ آذر ۱۳۹۴

«« بخش هایی از سخنرانی ملی عرب نماینده جامعه اسلامی در مقابل رئیس جمهور

امروز یعنی ۱۶ آذر ۹۴ بیش از ۷۰۰ روز است که اطرافیان جنابعالی اجازه نداده‌اند صدای ما از پشت دیوارهای پاستور به گوش شما برسد و با انحصار شما در بین عده‌ای خاص از طرفدارانتان تلاش کرده‌اند تا دو قطبی مخالفین و موافقین رئیس جمهور را القا کنند و تنها اتحادیه‌های دانشجویی رسمی کشور را بایکوت کرده و در طول این دو سال با سانسور دولتی و برنامه ریزی شده سعی کردند صدایمان را ساکت کنند

اما جناب آقای رئیس جمهور اگر فردی در جنبش دانشجویی با تشکلی از شما یا سخنانتان یا کابینه دولت مردان و اقداماتشان انتقاد نمود دشمن شما و دولت محترم تدبیر و امید نیست، که با انواع برچسب‌ها و اتهامات او را تحقیر کرده و با ایجاد دو قطبی اعتدال و افراط آن‌ها را از میدان فعالیت علمی و سیاسی و فرهنگی بیرون برانند. عده‌ای سعی کردند جلوی رسیدن صدای مقتدای تشکیلاتی ما شهید مظلوم دکتر بهشتی را نیز با انواع تهمت‌ها و تخریب‌های سازماندهی شده به گوش‌ها بگیرند ولی مقلدان تشکیلاتی ایشان مظلومانه توهین‌ها را می‌شنوند ولی با فریاد رسای خود آزاد اندیشه‌انه و عزت طلبانه مطالباتشان را مطرح می‌نمایند.که ایشان فرمودند دانشجو موظف است در برابر دردهای جامعه حساس باشد و حساس بماند.

چگونه است که وام سه میلیون تومانی ازدواج را با سختگیری‌های بسیار به جوانان تازه عروس و داماد می‌دهند ولی به کهنسالان ایران خودرو وسایپا وام ۲۰ و ۲۵ میلیون تومانی اختصاص می‌دهند و مردم را زیر بار بهره چند ده درصدی قرار می‌دهند.

«« بخش از سخنرانی رضا فخری‌نماینده اتحادیه دانشجویان اسلامی در مقابل رئیس‌جمهور

گفتنی ها فراوان است و مجال کم. نیک مستحضرب که پس از ۸۰۰ روز تنها ۴ دقیقه فرصت یافته ایم که با شما به عنوان ریس قوه مجریه صحبت کنیم. در همه این دوسال تریبون های یکطرفه طرفداران شما برای تشکر و تمجید برای تشکر و تقدیر از سیاستهای شما به راه بوده است و خواهد بود، بنده به نمایندگی از اتحادیه متبوع، انتقاداتی فارغ از فضای تعریف و تقدیر عرض می نمایم. همچنین از همین تریبون از زحمات شما و کابینه تشکر می نمایم.

جناب آقای روحانی هشت برابر آن صد روزی که از آن یادکرده بودید می گذرد و آش همان آش است و کاسه

بازرگان در نظر امام

بازخوانی نامه امام به محتشمی در خصوص بازرگان و نهضت آزادی

برای آنان که "بازرگان ها " را معلم ایستادگی در برابر استعمار می دانند

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای محتشمی، وزیر محترم کشور (ایده الله تعالی)

در موضوع نهضت به اصطلاح آزادی مسائل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پرونده این نهضت و همین‌طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است، و در اینباره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است، و حمل به صحت را، که هرچه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملتهای اگر داشته باشد، آن است که شاید آمریکای جهانخوار تحت سلطه او دارند از ستمکاری اوست، بهتر از شوروی



همان کاسه ! در اقتصاد با ابداع واژه هایی طنزگونه چون تورم صفر، عبور از رکود و رفتارهایی رایبن هودی چون توزیع سید کالا و تخصیص وام بیست و پنج میلیونی، آن هم نه به نفع معیشت مردم بلکه برای خالی کردن انبارهای خودرو نشان دادید برنامه جامعی برای اقتصاد نداشتید چنانچه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل، در جلسه پیش از انتخابات ۲۴ خرداد با شما، این بی برنامهگی را یادآور شده بود. از آنجایی که دولت شما فاقد گفتمان سیاسی و اجتماعی است، به نظر می رسد برای جبران این خلا، آینده سیاسی خویش را به کسانی گره زده اید که سابقه خود را در بزنگاهها نشان داده اند و هیچ گاه دلسوز شما نبوده و شما را معاون اول کلان کابینه ی آقای هاشمی رفسنجانی می دانند. اینان دیر یا زود چه در صورت وصول مطالباتشان و چه بالعکس آن، پروژه «عبور از روحانی» را کلید خواهند زد. مامنی خواهیم عبور از روحانی مطرح شود. ما رییس جمهوری می خواهیم مستقل، که بر اساس آنچه شعار داده عمل کند. اگر مدعی مدیریت غیرعقلانی در دوره های قبل است، خود عقلانی عمل کند. اگر مدعی آمارسازی و دروغ در دوره های قبل است، خود آمارسازی نکند و راست بگوید.



وزیری را به مصدر امور نگذارد که در کرسنت یک طرف دعواست. وزیری را به کار نگمارد که به خاطر نخریدن خودروی بی کیفیت ملت را خائن خطاب کند.

مارییس جمهوری می خواهیم که در مقابل نقد ولو

ملحد می‌دانند. و این از اشتباهات آنها است.

در هر صورت، به حسب این پرونده‌های قطور و نیز ملاقات‌های مکرر اعضای نهضت، چه در منازل خودشان و چه در سفارت آمریکا و به حسب آنچه من مشاهده کردم از انحرافات آنها، که اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت‌های مظلوم بویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر



چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد، و به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند، و ضرر آنها، به اعتبار

تخطئه که به فرموده امام موهبت الهی است، خضوع کند و منتقدان را بزدل و تروسو و بی سواد و بی شناسنامه خطاب نکند و آنها را به جهنم حواله ندهد.

«« بخشی از سخنرانی محمد حسین فائده‌نماینده دفتر تحکیم وحدت

هرچند در روز دانشجو ۴ دقیقه زمان آن هم پس از دو سال زمانی ناچیز برای درد دل های یک دانشجو است و انتظار ما از رئیس جمهور محترم‌مان بیش از این بود، اما صمیمانه از شما بابت اختصاص این زمان تشکر می‌کنیم.

اگر در حافظه تاریخی ملت ایران، دولت آقای هاشمی، دولت اقتصاد تکنوکراسی، دولت اصلاحات دولت سقوط فرهنگ و دولت آقای احمدی‌نژاد، دولت اقتصاد تورمی ثبت شده است، اگر سفره معیشت مردم در وضع کنونی باقی بماند، دولت روحانی نیز دولت رکود خواهد گرفت.

آقای رئیس‌جمهور دانشجوی پولی خود صاحب دانشگاه پندار که امروز از آن به عنوان پردیسی یاد می‌شود، نماد بارز بی‌عدالتی آموزشی و اجتماعی است.

بنده و تمامی این دانشجویان که از سد کنکور در رقابتی علمی، البته با تمام نقطه ضعف‌ها و قوت‌هایش، عبور کردیم، این جغای بزرگ را در حق نظام آموزش عالی کشور نمی‌پذیریم. ظلمی که نتیجه مستقیم آن، دلسردی و خشکیدن بذر امید در دل نخبگان و نابودی تدریجی قوت و اعتبار علمی دانشگاه‌های ماست.

تضعیف و توهین به فقه‌ای شورای نگهبان امری است که برای کشور و اسلام خطرناک خواهد بود و این وصیت بنیانگذار انقلاب به شما بود، به فردی که اگر امروز بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زده است از همین سیستم و ساز و کار عبور کرده است. از شما انتظار می‌رود به عنوان مطیع ولایت فقیه و مجری قانون اساسی در کنار رای مردم از نظارت استصوابی نیز که حق الناس انتخابات است با تمام توان حمایت کنید.

بازرگان به دلیل تکیه بر اسلام التقاطی و تقابل با امام امت مغضوب روح خدا و آحاد ملت گشت، رجایی عزیز با تکیه بر منش علوی به شهادت رسید. بصیرت مطهری را معلم انقلاب نمود و بهشتی فداکار مظلومانه فدای اسلام گشت. زمانی عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور این کشور صادر شد. در ایران اسلامی قائم‌مقام رهبری به دلیل عدم بصیرت از مقامش عزل شد و نخست‌وزیر امامش در مقابل انقلاب ایستاد و مطرود شد. پس فراموش نکنیم آنچه بر پیشینیان رفته است.

آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویلهای جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند. از ضرر گروه‌کهای دیگر حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان بیشتر و بالاتر است. «نهضت آزادی» و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده‌اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی‌الموالی امیرالمومنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویه اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را نعوذبالله تخطئه، بلکه مرتد بدانند؛ و یا آنکه همه این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است.

نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود، و نباید رسمیت داشته باشند.

والسلام علی من اتبع الهدی. توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

آخر آذر ماه ۱۳۹۴

نسخه ۳م و سه و هفتم

آخر آذر ماه ۱۳۹۴

آخر آذر ماه ۱۳۹۴

نسخه ۳م و سه و هفتم



«حزب مولفه اسلامی»

”مولفه اسلامی توانست برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران تشکلی سیاسی عقیدتی تحت رهبری ولی فقیه عادل زمان و مرجع تقلید تحت نظارت و هدایت شورای روحانیت و به دور از الگوبذیری از سازمان و احزاب شرقی و غربی پدید آورد .“

بخشی از اساسنامه حزب مولفه

حزب مولفه اسلامی سال ۴۲ از ائتلاف سه هیئت مذهبی در منزل امام خمینی شکل گرفت در این زمان شهید مطهری تغذیه فکری اعضای این گروه را بر عهده می گیرد و شهید بهشتی نیز حمایت های تشکیلاتی نظیر تنظیم اساسنامه این حزب را انجام می دهد .

پیش از انقلاب الگو فکری و رفتاری هیئت های مولفه شباهت های زیادی با جمعیت فدائیان اسلام دارد و شخصیت هایی نظیر مهدی عراقی که سابقه عضویت در فدائیان اسلام را دارند به عضویت این حزب در آمدند .

با گسترش مبارزات مولفه تصمیم می گیرد تا فعالیت های خود را افزایش دهد به همین دلیل در کنار فعالیت های فرهنگی و مذهبی خود شاخه نظامی حزب را نیز تشکیل می دهد با تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و همچنین کاپیتالاسیون با وجود مخالفت خمینی این شاخه به فتوای شورای روحانیت اقدام به ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت می کند به دنبال این حادثه ۴ نفر از اعضای حزب اعدام و ۶ نفر زندانی می شوند .

حذف ده نفر از اعضای اصلی حزب مولفه این حزب را نیازمند تجدید بنا می کند به همین دلیل شهیدان رجایی و باهنر تلاش هایی را جهت احیای دوباره آن صورت می دهند با شکل گیری حزب جمهوری اسلامی اعضا مولفه به این حزب می پیوندند و بخش مهمی از بدنه حزب جمهوری را تشکیل می دهند به طوریکه شهید بهشتی حزب جمهوری را در امتداد مولفه توصیف می کند .

انحلال حزب جمهوری اسلامی سبب می شود که مولفه مجددا به صورت جریانی مستقل تجدید بنا کند این حزب تا اواسط دهه هفتاد از قدرت قابل قبولی در فضای سیاسی کشور برخوردار بوده است اما با روی کار آمدن احمدی نژاد و شکل گیری جریان جدیدی در میان بدنه اصولگرایی نقش مولفه در عرصه سیاسی کمرنگ می شود.

این حزب اگرچه در سال ۸۴ از لاریجانی حمایت

کرده بود ولی در سال ۸۸ با انتشار بیانیه ای از احمدی نژاد دفاع می کند و به تبیین شروط لازم برای رئیس جمهور می پردازد , در بخشی از این بیانیه آمده است :

رئیس جمهور آینده باید مطالبات مردم و رهبری را پاسخگو باشد؛ رهبری و مردم انتظار دارند رئیس جمهور مومن به انقلاب و ارزش های الهی باشد، رهبری و مردم انتظار دارند رئیس جمهور با کفایت، شجاعت و با نشاط باشد. مردم و رهبری دوست دارند رئیس جمهور خادم ملت باشد و از درد ملت در اقصی نقاط کشور مطلع و برای درمان آن تئوری داشته باشد. مردم و رهبری می خواهند رئیس جمهور دلسوز محرومین و مستضعفان باشد و با مدیریت قدرتمند و گره گشای خود موانع را یکی پس از دیگری از میان بردارد.

با وجود آنکه مولفه در آن بیانیه از احمدی نژاد حمایت می کند اما حدود ده روز بعد ،انتشار اخباری از دیدار عسگراولادی با احمدی نژاد نشان می دهد که این حمایت ,حمایتی کامل و همه جانبه نبوده و مولفه مجبور به حمایت از وی شده است .

مدتی بعد ترقی عضو شورای مرکزی مولفه در مصاحبه با جماران احمدی نژاد را مخالف روحانیت می خواند و در خصوص رئیس دولت دهم می گوید :

اصولا کسانی که از نظر فکری تفکرشان، تفکر فقه امامی نیست و فقه سیاسی امام را قبول ندارند، این طرز فکر را دارند. احمدی نژاد فقه سیاسی امام را قبول نداشت. او یک اسلام منهای روحانیت را می خواهد.

همچنین انتقادات دیگری به عملکرد دولت در خصوص نحوه تعامل با مجلس تغییرات گسترده در کابینه قدرت طلبی های وی و ... مطرح می شود

مدل اقتصادی مولفه

یحیی آل اسحاق نامزد مولفه در انتخابات ۹۲ معتقد است که مدل اقتصادی آقای هاشمی اگر چه منجر به توسعه و افزایش تولید شد اما عدم توجه به عدالت و توزیع عادلانه درآمدها شکاف طبقاتی عظیمی در کشور ایجاد کرد و با ادامه این سیاست در دوران خاتمی این شکاف عمیق تر شد . اما احمدی نژاد برخلاف این به دنبال توزیع درآمد در میان مردم و کاهش فاصله طبقاتی بود و تا حدودی توانست به این هدف دست پیدا کند با این وجود عدم توجه وی به تولید زمینه ایجاد رکود و تورم را ایجاد نمود که بیش از پیش موجب فشار به خانوارهای متوسط جامعه شد .وی مدل مطلوب اقتصادی را مدل دولت - ملت میدانند و معتقد است دولت نباید در اقتصاد دخالت کند و فقط در سیاستگذاری و نظارت نقش داشته باشد . حبیبی دبیرکل مولفه نیز در خصوص دیدگاه های اقتصادی حزب بیان می کند : پیش از انقلاب یک تفکر با عنوان چپ بر اقتصاد دولتی تأکید می کرد و گروه دیگر با عنوان راست , خواهان اقتصادی بود که دولت سیاستگذار, برنامه ریز و نظارت کننده باشد و بنا را بر واگذاری کار بر مردم می نهاد. در اقتصاد مقاومتی نیز مهمترین

عامل خود مردم هستند و اگر بتوان دولت را در این زمینه در جایگاه سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت قرار داد و کار به مردم سپرده شود در رویکرد اقتصاد مقاومتی بسیار مهم خواهد بود.

«به مار کسپیست ها کرسی پادشید



قطعا تا به حال پیشنهاد معروف شهید مطهری مبنی بر ایجاد کرسی مارکسیسم در دانشکده الهیات را شنیده اید . پیشنهادی که بیانگر عدم ترس از آزادی تفکر در اسلام است و پیشرفت و موفقیت اسلام را در آن می بیند . شهید مطهری تداوم انقلاب را در چهار چیز می داند :

۱) تداوم مسیر عدالتخواهی
۲) احترام به آزادی ها

۳) گرایش به معنویت
۴) استقلال

" انقلاب اسلامی اگر بخواد سلب کننده آزادیها باشد ,این یک آفتی است در آن و اگر بخواد نسبت به عدالت ,اجتماعی به معنی دقیق کلمه حساسیت کافی نداشته باشد به خطر خواهد افتاد اگر تحت تاثیر مکتبهای ماتریالیستی معنویت را کوچک و ضعیف بشمارد و گرایش مادی زیادی پیدا کند باز به خطر خواهد افتاد. اگر استقلال را چه استقلال سیاسی و چه استقلال مکتبی یعنی اینکه اسلام را به عنوان یک مکتب مستقل بشناسد و معرفی نکند نه اینکه از مکتبهای دیگر قسمت هایی را بگیرد و مخلوط بکند , کوچک بشمارد باز در خطر است "پیرامون جمهوری اسلامی صفحه ۲۳

همچنین امام (ره) در مصاحبه ای در پاریس تأکید می کند که در جمهوری اسلامی مارکسیست ها هم آزادند . اما شهید مطهری معنای آزادی تفکر را مفصلا توضیح داده و تفاوت آن را با آزادی دروغ بیان می دارد .

شهید مطهری در پیشنهاد خود می گوید که «یک استاد مارکسیست در دانشکده الهیات تدریس کند و تمامی اصول و قواعد مارکسیسم را ترویج کند ولی این استاد حق ندارد برای گفته هایش از آیات قرآن استدلال کند . حق ندارد سخن خود و اسلام را مخلوط کند و باید با صداقت هر آنچه که در مکتب مارکسیسم است را بیان کند . مارکسیست ها آزادند که عقاید خود را عرضه کنند ولی نمی توانند حق و باطل را در هم آمیزند و سعی در فریب مردم داشته باشند و عقاید خود را به نام اسلام بیان کنند . از طرفی مارکسیست باید مارکسیسم را تبلیغ کند .»

شهید مطهری خطاب به مارکسیست ها می گوید که شما حق ندارید عکس امام را بالا ببرید باید عکس لنین را بالا ببرید .

دلیل صحبت شهید مطهری اینست که در اوایل انقلاب همه مسلمان شده بودند از حزب توده بگیر تا گروه فرقان و مجاهدین خلق و کسی با صداقت اهداف و نیات خود را بیان نمی کرد کما اینکه همین حالا هم همین است که عده ای با نام و پسوند و پیشوند اسلام سعی در تبلیغ عقاید لیبرالی ، سکولاری و عقاید کفر آمیز خود دارند .



به دنبال پیروزی خاتمی این حزب با عنوان مدافعان پیام دوم خرداد تشکیل می شود . اعضای اصلی این حزب معتقدند مردمسالاری به معنای واقعی از پایین به بالا شکل گرفته و هرگز هیچ مقام دولتی یا حکومتی در تاسیس آن نقش نداشته و تا کنون وامدار هیچ نهاد و موسسه ای نشده و با هویتی مستقل از متن عموم مردم برخاسته است به همین دلیل در اولین کنگره حزب که سال ۸۱ تشکیل می شود نام خود را به مردم سالاری تغییر می دهد.

زمانی که مهدی کروبی ار مجمع روحانیون مبارز استعفا می دهد و جریان جدیدی در میان بدنه اصلاح طلبان ایجاد می کند مردم سالاری نیز به سمت وی متمایل شده تا جایی که در انتخابات مجلس هشتم به همراه حزب اعتماد ملی اقدام به ایجاد ائتلاف مردمی اصلاحات در مقابل ائتلاف اصلاح طلبان می کند . این رویکرد نشان می دهد که مردم سالاری اگر چه خود را در ابتدا مدافع پیام دوم خرداد نامید ولی با احزابی نظیر مشارکت که گرایشات نزدیک تر با محمد خاتمی دارد دچار تضاد های متعددی هستند .

حزب مردم سالاری برخلاف بسیاری از احزاب اصلاح طلب موضعی متفاوت در قبال حوادث ۸۸ اتخاذ کرده است به طوریکه کواکیبان در سال ۸۸ کنگره حزب خود را با برائت از فتنه گران برگزار کرد و اقدامات کروبی و موسوی را برای درخواست مجوز راهپیمایی یک امر کاملا خطا و اشتباه خواند (۱)

حسین قیومی عضو شورای مرکزی حزب مردمسالاری نیز در خصوص حوادث ۸۸ می گوید : فتنه گران اصلاح طلب که فتنه ۸۸ را رقم زدند بدانند که نظام بازپچه بازبهای سیاسی مدعیان اصلاحات نیست برخی از همین مدعیان اصلاح طلب نه تنها کارشان آبادانی کشور نیست بلکه با نیت براندازی درون جامعه نفوذ پیدا کرده و استراتژی راهبردی اصلاح طلبان و سایر احزاب را زیر سوال بردند .(۲)

با این حال اقدامات چندسال گذشته حزب مردمسالاری نشان می دهد که مواضع حزب در خصوص فتنه ۸۸ به مواضع اصلاح طلبان نزدیک تر شده است به عنوان مثال کواکیبان در برنامه دیروز امروز فردا از مقام معظم رهبری تقاضای رفع حصر می کند (۳) از طرفی , مراسم افطاری مشترک با حزبی که دبیرکل آن یکی از فتنه گران است خود نوعی پارادوکس در رفتار سیاسی حزب مردمسالاری محسوب می شود .

همزمان با فرارسیدن انتخابات مجلس نهم در

حالیکه بسیاری از جریان های اصلاح طلب این انتخابات را تحریم کرده بودند . حزب مردمسالاری نامزدهای خود را برای شرکت در انتخابات معرفی می کند و علاوه بر آن تلاش بسیاری برای بازگشت اصلاح طلبان به عرصه سیاسی و سازمان بندی مناسب آنها انجم می دهد اما این اقدامات نه تنها با استقبال آنها روبرو نشد بلکه این حزب با القابی چون خائن ,حزب نادم و اصلاح طلب بدلی از سوی تندرو های اصلاح طلب معرفی شد .

در خصوص مسئله هسته ای مردمسالاری همانند اکثر اصلاح طلبان انتقادات قابل توجهی را نسبت به عملکرد دولت دهم مطرح می کند . کواکیبان دبیر کل حزب می گوید : تا قبل از روی کار آمدن دولت یازدهم عملا مذاکرات به بن بست رسیده بود یعنی ما مذاکره می کردیم تا درباره تاریخ بعدی مذاکرات صحبت کنیم (۴)

حزب مردمسالاری علیرغم حمایت در عرصه سیاسی و دیپلماسی انتقاداتی را نسبت به دولت مطرح می کند در این خصوص کواکیبان دبیرکل مردمسالاری می گوید : ارزیابی مثبتی از عملکرد ییلماتیک و سیاست خارجی دولت یازدهم داریم اما از عملکرد اقتصادی و تحول اداری و توسعه سیاسی عملکرد خاصی ندیدیم .(۵)

همچنین شاخه جوانان حزب نیز در بیانیه ای از عملکرد دولت نسبت به جوانان و عدم استفاده ی مناسب از پتانسیل های قشر جوان انتقاد و خواستار تغییر رویکرد دولت نسبت به جوانان شده است.

- جهان نیوز کد مطلب ۱۵۷۴۴۵
- باشگاه خبرنگاران جوان
- خبرگزاری دانشجو کد خبر ۴۲۲۰۷۰
- بهارنیوز ۶۵۵۷۹
- خبرگزاری مهر کد خبر ۲۱۸۰۲۲۳

پیگ سیوالل سباده ۰۰۰۰۰۰ چرا جریانات اصلاحات حاضر به پذیرش اشتباهات خود نیست !!

سال ۸۴ بود که احمدی نژاد با حمایت بسیاری از اصولگرایان به قدرت می رسد , حمایت از این فرد تا سال ۸۸ همچنان ادامه می یابد تا وی با رای بالایی به قدرت می رسد .

احمدی نژاد که گویا خود را دارای بدنه اجتماعی قوی می دید به دنبال ایجاد جریان جدیدی برمی آید , اصولگرایان سنتی که زمانی حامی او بودند را کنار می گذارد , مشایی و رحیمی را جایگزین آنان می کند , با ولایت زاویه می گیرد و مدتی خانه نشینی اختیار می کند. مرد عدالت طلب دیروز اکنون از خط قرمزی سخن می گوید که نه مصالح ملت بلکه مصالح اطرافیانش است .

این اقدامات سبب می شود تا جریانی که روزی حامی وی محسوب می گشت به صف نخست مخالفان او بپیوندد ,مصباح یردی که به عنوان

مهمترین حامی احمدی نژاد شناخته می شد اینک با حمایت از جبهه پایداری که دلیل تشکیل خود را مخالفت با جریان انحرافی می داند, در مقابل احمدی نژاد قرار می گیرد.

علامه مصباح می گوید :

شرط شروع کارمان (شروع فعالیت جبهه پایداری) مخالفت با این گروه انحرافی است .



مجلس اصولگرا نیز مخالفت های خود را تشدید می کند ,احمدی نژاد به عنوان دومین رئیس جمهور پس از بنی صدر مورد سوال قرار می گیرد و در آخرین گام سیاسی اش نامزد مورد حمایت وی(مشایی) رد صلاحیت می شود.

جریان انقلابی کشور همواره نشان داده است که با هر گونه انحراف حتی اگر از جانب نامزد مورد حمایتش باشد مخالفت می کند و به هیچ عنوان بر سر اصول با دیگری حاضر به مصالحه نیست ,اما آیا جریانی که خود را مدعی دفاع از قانون می خواند و اقداماتی نظیر ممنوع تصویریری خاتمی,حصر فتنه گران و نظارت استصوابی را خلاف قانون می خواند, حاضر است به اشتباهات خود اعتراف کند و از افرادی که حوادث ۸۸ را رقم زدند تبری بجویند ؟

جریان اصلاحات چگونه تناقض بین حمایت از محمد خاتمی و ولایت مداری را حل می کند ؟ اگر فتنه خط قرمز نظام است پس چگونه جریانی حاضر به پذیرش اشتباهات خود در عبور از خط قرمزها نیست ؟

اگر این جریان مدعی قانون مداری است چگونه فردی که هنوز مدتی تا پایان حکم محرومیتش مبنی بر عدم شرکت در هر گونه حزب و موسسه که به کارهای سیاسی, فرهنگی واجتماعی مشغول است اجازه فعالیت میدهد و در مقابل این بی قانونی ,آشکارا سکوت می نمایند؟

چرا جریان مدعی قانون مداری حتی حاضر به رعایت یک قانون ساده نیست و در محیط های آکادمیک اقدام به انتشار تصویر یکی از سران فتنه می کند ؟

و در پایان سوال آخر را می پرسم آیا جریان اصلاحات شجاعت پذیرش اشتباهات خود را دارد ؟